# لزوم اصلاح قانون به نفع محیط‌بانان

«هدایت‌الله دیده‌بان»، محیط‌بان باسابقه منطقه حفاظت شده خاییز، ۱۳ خرداد در پی شلیک مستقیم شکارچیان غیرمجاز با سلاح جنگی، جان خود را از دست داد؛ مرگی که تازگی ندارد و همواره سنگربانان طبیعت و حافظان حیات وحش، با خطرات فراوانی از سوی شکارچیان غیرقانونی و مسلح مواجه‌اند و مادامی که جانشان در خطر نباشد، امکان استفاده از سلاح را نخواهند داشت؛ این خلأیکی از دلایلی است که موجب شده آنان در تقابل با متخلفان ناکام بمانند.

موضوعی که از سوی حمید ظهرابی، معاون سازمان حفاظت محیط زیست نیز مورد تأکید قرار گرفته است. به گفته ظهرابی، در حال حاضر محیط‌بانان فقط در صورتی مجاز به استفاده از سلاح هستند که جان خود را در خطر ببینند، نه صرفا برای جلوگیری از تخلفات، با این وجود محیط‌بانان نمی‌توانند برای مهار یا جلوگیری از تخلفات از سلاح خود استفاده کنند.

هدایت‌الله دیده‌بان که مسئولیت نظارت بر منطقه حفاظت‌شده خاییز را برعهده داشت، در جریان گشت زنی روزانه خود پس از شنیدن صدای گلوله در محدوده موسوم به «تنگ بیستم»، به همکارانش هشدار داد، اما پیش از رسیدن نیروی کمکی، هدف تیراندازی مستقیم با سلاح کلاشنیکف قرار گرفت. مهاجمان پس از قتل، اسلحه سازمانی و تجهیزات شخصی او را به سرقت برده و متواری شدند.

این نخستین بار نیست که محیط‌بانان آماج حملات شکارچیان مسلح قرار می‌گیرند. مطابق آمارها تاکنون ۱۵۰ نفر از محیط‌بانان درحین حفظ و حراست از محیط زیست کشورجان خود را از دست داده‌اند و به شهادت رسیده‌اند. همچنین ۳۷۷ نفر در درگیری با متخلفان شکار و صید، مجروح و به درجه جانبازی نایل شده‌اند.

در حالی که مسئولان، از جمله سازمان محیط زیست، از «شهادت» این مأموران سخن می‌گویند، اما در عمل سازوکار مؤثری برای حمایت حقوقی و تجهیز فیزیکی محیط بانان فراهم نکرده و ریشه شبکه‌های شکار غیرقانونی را نخشکانده‌اند.

هدایت‌الله دیده‌بان، تنها یکی از ده‌ها محیط بانی است که در سال‌های اخیر، قربانی خلأقانونی و انفعال نهادهای مسئول شده است.

«رسالت» پیش‌تر در گزارشی به این مسئله پرداخته بود. حسین رئیسی، حقوقدان در این مطلب عنوان کرده بود: «محیط بانان، به عنوان جزئی از ضابطان دادگستری، حق حمل و استفاده از سلاح را برای انجام وظیفه دارند و مانند سایر نیروهای مسلح قانون استفاده از سلاح در مورد آن‌ها هم صادق است، ولی از حمایت‌هایی که سایر نهادهای مسلح از مأموران خود می‌کنند، دریگان حفاظت از محیط زیست، خبری نیست.»

این وکیل و استاد دانشگاه، همچنین به برخی ضوابط استفاده از سلاح توسط تمامی ضابطان دادگستری از جمله، لزوم مراحل استفاده از سلاح که شامل اخطار، شلیک هوایی و پس‌ازآن شلیک به پایین‌تنه می‌شود نیز اشاره کرده و گفته بود: «مطابق قانون، ماهیت شغل محیط بان‌ها به گونه‌ای است که باید با افرادی که متجاوز به حریم حوزه‌های محیط زیستی و حیات وحش حفاظت شده هستند، مقابله کنند. بنابراین بنابه شرایطی که در دستورالعمل‌ها اعلام شده، مجازند با افراد متخلف برخورد کنند. با این که این موضوع کاملا عادی است، اما آنچه جای تعجب دارد، نوع برخورد با این موضوع به مثابه قتل عمد است.»

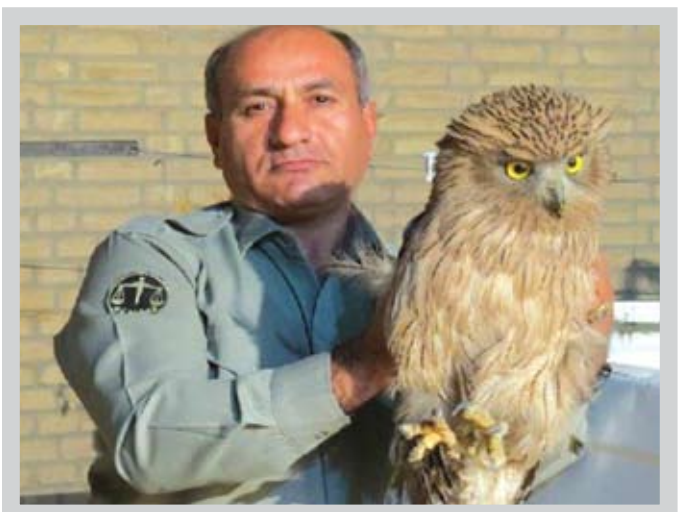

رئیسی، این برخورد دستگاه قضائی را ناشی از دو ایراد ساختاری در قوانین دانسته بود. او در این رابطه مطرح کرده بود: «در چنین مواردی، اول این که برخلاف سایر بخش‌های نیروهای مسلح که دولت از محل بودجه عمومی حق دیه قربانی را پرداخت می‌کند، مسئولیت کیفری، فقط متوجه فرد محیط بان است و سازمان دست اندرکار از زیر بار آن شانه خالی می‌کند. دومین ایراد ساختاری این است که تعریف قتل عمدی در ساختار حقوقی نادرست است. در قوانین ما، چنانچه فردی به بخش حساس بدن دیگری، باهروسیله ممکن، صدمه‌ای وارد کند که منجر به مرگ شود، حتی اگر عمدی نباشد، به استناد ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، عمدی است و این تعریف نادرست است. در این تعریف فردی که از روی شرارت، فرد دیگری را به قتل رسانده با کسی که مثلا امور حفاظت از محیط زیست بوده و به خطا و به دلیل رعایت نکردن ضوابط، منجر به کشته شدن فرد دیگری شده، یکسان در نظر گرفته می‌شود. به همین دلیل است که باید تعریف سنتی از قتل عمد را تغییر دهیم و افرادی را که بدون قصد قبلی منجر به کشته شدن فرد دیگری شده‌اند، از خطر اعدام نجات دهیم.»

این وکیل در ادامه به ناکافی بودن مجازات محتمل در صورت محاکمه محیط بان برمبنای اتهام قتل شبه عمد نیز اشاره کرده و گفته بود: «در ساختار قانون مجازات اسلامی، اگر بخواهیم اتفاقی که افتاده را مصداق قتل شبه عمدی در نظر بگیریم، مجازات به‌قدری ناچیز است که جبران کننده خسارتی که به قربانی و خانواده او وارد شده، نیست. بنابراین، ساختار نیاز به اصلاح دارد. اگر ساختار تعریف قتل عمدی تغییر کند و مواردی شبیه این، مانند بسیاری از کشورهای دنیا از موارد قتل عمدی به قتل درجه دو تغییر کند که هم مجازات نسبتا سنگینی دارد و هم به اعدام محیط بان نمی‌انجامد، عدالت اجرا خواهد شد.»

اما حمیدرضا میرزاده، در یادداشتی با عنوان «نگاه ریشه‌یابانه به چالش‌های محیط بانی در ایران»، از دریچه دیگری به این مقوله نگریسته است. به باور او، درست همان زمانی که درگیری محیط بان و متخلفان خونین می‌شود، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی پر از بحث‌ها و جدل‌هایی می‌شود که چند روزی هم بیشتر دوام ندارند. وقتی محیط بان در درگیری دچار جراحت و نقص عضو می‌شود یا جان خود را از دست می‌دهد؛ صدای غالب رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، لزوم به روزرسانی قوانین، تجهیزات و وسایل نقلیه محیط بانان است.

او می‌نویسد: «آنچه در کشور ما رخ داده وضع قوانین و مقرراتی برای حفاظت است که در زمانه خود پیشروبوده‌اند اما با گذشت زمان و تغییر سبک زندگی، نیازهای جامعه و شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور قوانین و برنامه‌ها تغییر قابل توجهی پیدا نکرده‌اند. به این شکل که رفته رفته با فاصله گرفتن تصمیمات توسعه‌ای کشور از ملاحظات محیط زیستی نوعی بی‌عدالتی خصوصا برای جوامع روستایی و عشایری شکل گرفته است. این بی‌عدالتی به اشکال مختلف نظیر ضعف در دسترسی به منابع اقتصادی پایدار، ضعف در پوشش خدمات سلامت، رفاهی و غیره نمود یافته است. شکاف میان مدیریت و جامعه محلی در نقاطی به اوج رسیده که جامعه ارتباط مستقیمی با طبیعت دارد و به اشکال مختلف در تلاش برای تأمین نیاز خود و دسترسی به سود اقتصادی مناسب و پایدار از طریق بهره‌برداری از طبیعت است. در چنین شرایطی است که کشمکش میان دولت و جامعه محلی به اوج می‌رسد و برخی واقعیات فرهنگی و اجتماعی در برخی جوامع بومی به این کشمکش دامن می‌زند. بنابراین شکارچی غیرمجازی که برای فروش گوشت اقدام به شکار غیرقانونی می‌کند، درصدد رفع نیازهای خود است؛ نیازهایی که یا در روند توسعه کشور مغفول مانده یا توزیع ناعادلانه منافع حاصل از توسعه کشور این جوامع محلی کوچک و نیازهایشان را به حاشیه رانده است. حتی آن شکارچی غیرمجاز محلی که به دلایل غیرمادی سعی در انجام شکار غیرقانونی دارد نیز به گونه‌ای دیگر محصول همین توسعه نامتوازن و توزیع ناعادلانه منافع است.»

از طرفی به زعم نگارنده، برخی امکانات که در دسترس عموم قرار گرفته هم خود به چالشی برای حفاظت تبدیل شده است؛ به عنوان مثال در موضوع شکار غیرمجاز، وجود سلاح‌ها و مهمات شکاری در اختیار تعداد زیادی از مردم، بدون توجه به وضعیت و جمعیت حیات وحش به علاوه برخی نقایص در قوانین مربوط به حمل و نگهداری و خرید و فروش این سلاح‌ها، نیازها و علایق جدیدی را رقم زده که حتی بخشی از جامعه شهرنشین را نیز در این چالش حفاظت دخیل می‌کند.

اما برنامه حفاظت از طبیعتی که پیگیری می‌شود، توجه خاصی به این نیازها و واقعیات ندارد. این برنامه افرادی را به کار گرفته و مسئولیت حفاظت از طبیعت را برعهده آن‌ها گذاشته است. آن‌ها مجبورند از ۱۷ میلیون هکتار عرصه‌های حفاظت شده کشور پاسبانی کنند در حالی که نیازها و انگیزه‌ها برای بهره‌برداری از طبیعت کشور روزبه روز رو به افزایش است، انگیزه‌هایی که شرایط اقتصادی کشور به آن دامن می‌زنند. درست در همین نقطه است که چالش حفاظت بالا می‌گیرد و تکیه صرف بر اسلحه محیط بانان تلقی جنگ از فرآیند حفاظت را به وجود می‌آورد.

به باور نگارنده، مادامی که انگیزه‌های مادی و معنوی جامعه در ارتباط با طبیعت شناخته نشود، توان سرزمینی محاسبه نشود و در برنامه‌ای همه جانبه، حساب شده و البته انعطاف‌پذیر راه‌های تأمین این نیازها بدون آسیب رساندن و تخریب طبیعت بررسی و اجرا نشود، حفاظت تبدیل به جنگی می‌شود که از همه طرف قربانی می‌گیرد و آتش جنگ را شعله ورتر خواهد کرد لذا آنچه امروز در کشور رخ می‌دهد، مجادله تلخ و خونین فرزندان سرزمین با یکدیگر است؛ سرزمینی که برنامه ریزانش فراموش کرده‌اند منشأ تمامی پیشرفت‌هایمان از طبیعت است و تصمیم گیری عقلایی و هوشمندانه برای سرنوشت اندوخته‌های طبیعی‌اش را به دست فراموشی سپرده‌اند. در این میان حتی تلاش‌ها برای مراقبت از همین عرصه‌های ارزشمند طبیعی نیز آن کارآمدی‌ای را که انتظارش را داریم نداشته است.

میرزاده در خاتمه این یادداشت خاطرنشان می‌کند که محیط بان قربانی روشی ناکارآمد برای حفظ طبیعت است که حفاظت را تنها در برخورد با متخلف خلاصه کرده است. برنامه‌های اقتصادی خرد، توجه به انگیزه‌های غیرمادی، مشارکت‌جویی در حفظ عرصه‌ها و هم‌راستاسازی منافع حفاظت با منافع جامعه، خلأهای بزرگ این روش حفاظت هستند.

خلأهایی که وزنه‌های سنگین نبودن شان بر دوش محیط بان است و ما با خیال خام خود، با پیگیری وضعیت پرونده شهادت و جانبازی محیط بانان و قوی‌تر کردن سلاح سازمانی و خودروها، سعی داریم کمی از این بار سنگین بکاهیم اما آن روزی که درک کنیم «حفاظت» یک فرآیند مدیریتِ عادلانه و پایدار منابع سرزمینی است و تلقی «جنگ» از آن یک اشتباه مهلک است، آن روزی که بفهمیم هرتیری که برای حفاظت از طبیعت به طرف انسانی شلیک می‌شود بیانگر یک کم‌توجهی و کوتاهی در مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح و هوشمندانه است، آن روز است که احتمالا ابتدای راه حفاظت پایدار ایستاده‌ایم.

# یک مقتول و میلیون‌ها مجروح

چهارم خرداد بود که الهه حسین نژاد در مسیر بازگشت از محل کار به منزل، ناپدید شد. پس از آن، بسیاری از مردم در همراهی با خانواده او، کارزارهایی در شبکه‌های اجتماعی برای یافتن اثری از این دختر جوان به راه انداختند، اما حالا به گفته مقام‌های پلیس و اعتراف متهم به قتل، الهه همان روز به دلیل مقاومت در برابر سرقت گوشی خود و البته «اذیت و آزار جنسی»، با ضربات چاقوی یک «مسافرکش» به قتل رسید و پیکر بی‌جانش در بیابان‌های اطراف فرودگاه امام رها شد.

آنطور که در خبرها آمده است، یک نفر به‌عنوان راننده و قاتل اصلی، در کنار فردی دیگر به عنوان مالک خودرو بازداشت شده‌اند. متهم ردیف اول در اعتراف‌هایش، مقابل دوربین صداوسیما گفت که با خودروی دوستش مسافرکشی می‌کرد و در زمان سرقت گوشی قربانی، با مقاومت او مواجه شد و درنهایت به الهه چاقوزد، سپس پیکر او را در بیابان رها کرد.

رئیس پلیس آگاهی تهران نیز با تأکید بر اینکه انگیزه قاتل، سرقت موبایل و آزار و اذیت بود، توضیح داد: «این خانم پس از رسیدن به مقصد، هنگام پرداخت کرایه با واکنش خشونت‌بار راننده مواجه می‌شود. او پس از مشاهده گوشی گران‌قیمت قربانی، تصمیم به سرقت می‌گیرد، اما با مقاومت شدید زن جوان روبه‌رو می‌شود. متهم با قساوت تمام، سه تا چهار ضربه چاقو به سینه این زن وارد می‌کند که به مرگ او در همان لحظه منجر می‌شود. سپس جسد را به بیابان‌های اطراف فرودگاه منتقل و رها می‌کند.»

بنا بر این گزارش، فرد دومی هم که مالک خودرو بوده و خودرو را بدون هیچ مستندات قانونی، در اختیار متهم به قتل گذاشته است، شناسایی و بازداشت شد. با این حال خبرگزاری تسنیم در گزارش خود، «تلاش متهم ردیف اول برای تجاوز» را نیز به اتهام‌های فرد بازداشت شده افزود.

**فقر تنها عامل محرک نیست**

پدیده خفت‌گیری و سرقت، به عنوان یکی از جرائم خشونت‌آمیز، نه تنها پیامدهای حقوقی جدی به همراه دارد، بلکه تأثیرات روانی و اجتماعی عمیقی نیز بر جامعه تحمیل می‌کند. آمارها نشان می‌دهند که در سال‌های اخیر، به دلیل نرخ رو به رشد بیکاری، تورم فزاینده و مشکلات اقتصادی، این جرائم افزایش یافته‌اند و معمولا افرادی که با چالش‌های مالی شدید مواجه هستند و راهی برای تأمین نیازهای اولیه خود نمی‌یابند، ممکن است به اقدامات مجرمانه مانند سرقت و زورگیری روی آورند. در این میان، جوانانی که از حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی محروم هستند، بیشتر در معرض خطر تبدیل شدن به مجرمان خیابانی قرار دارند.

با این حال، فقر تنها عامل محرک خفت‌گیری نیست. در برخی موارد، مشکلات روانی نیز نقش بسزایی ایفا می‌کند. بسیاری از مرتکبان این جرائم، علاوه بر مشکلات مالی، ممکن است از اختلالات روانی، شخصیتی یا رفتاری رنج ببرند. اعتیاد به مواد مخدر، ناامیدی و فشارهای ناشی از فقر نیز می‌توانند انگیزه‌های ارتکاب جرم را تقویت کنند.

در سال‌های اخیر، مواردی از خفت‌گیری گزارش شده است، یکی از فجیع‌ترین این موارد، قتل امیرمحمد خالقی، دانشجوی دانشگاه تهران در جریان یک عملیات خفت‌گیری بود. این دانشجو هنگام مقاومت در برابر سارقان، جان خود را از دست داد. قتل تلخ و دردناک الهه حسین نژاد هم از دیگر فجیع‌ترین خبرهای این حوزه است و به روشنی عیان می‌سازد که خفت‌گیری در معابر عمومی و بزرگراه‌ها، مانند حادثه اسلحه کشی در اتوبان صدر، به یک معضل جدی تبدیل شده است. گزارش‌های متعدد از سرقت موبایل، کیف و سایر اموال با استفاده از تهدید و خشونت در مناطق مختلف تهران، گواهی بر این موضوع است.

آمارهای رسمی هم نشان‌دهنده افزایش جرائمی مانند سرقت و قتل در سال‌های اخیر است. برای مثال، سرقت اماکن خصوصی و دولتی، منازل، مغازه‌ها، اتومبیل‌ها و موتورسیکلت‌ها در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۳ افزایش یافته است. همچنین، تعداد قتل‌های ثبت شده و موارد چاقوکشی هم روند صعودی داشته‌اند.

گروهی از کارشناسان فراجا در تحلیل چرایی افزایش آمار سرقت‌ها بر این باورند که «سرقت معلول است و علل فراوانی دارد. بخش عمده‌ای به فقر اقتصادی و بیکاری مرتبط است که به سرقت‌های خرد منتهی می‌شود و شامل بیش از ۵۰ درصد سرقت‌هاست.» این کارشناسان می‌گویند: سرقت‌های خرد یعنی مال سرقتی ارزش مالی چندانی ندارد؛ اما احساس ناامنی را تشدید می‌کند. وقتی یک جفت کفش از پشت در آپارتمانی به سرقت می‌رسد، ارزش مال سرقتی زیاد نیست اما احساس ناامنی برای اعضای خانواده خیلی زیاد است. بنابراین امنیت ذهنی بالاتر از امنیت عینی است. یک علت هم می‌تواند معتادین متجاهر باشند که سرپناه و کاری ندارند و برخی از آن‌ها مجبور به سرقت هستند.»

**قانون، سارقان خُرد را رها کرده است**

آنان در ادامه از دیگر دلایل افزایش آمار سرقت‌ها را عدم بازدارندگی مجازات‌ها دانسته و عنوان می‌کنند: «اگر سارق دوچرخه دست دوم یک میلیون تومانی دستگیر شود چه اتفاقی می‌افتد؟ قانونگذار برای این موضوع چه کرده است؟ از طرفی نظام اصلاح و تربیت ما ایراد دارد. سارق برای بار چهلم دستگیر می‌شود که نشان می‌دهد نظام تربیت ما ایراد دارد. این نیاز دارد که دولت سرمایه‌گذاری انجام دهد و قانونگذار ما قانونگذاری کند.»

این گروه از کارشناسان با تأکید بر اینکه وظیفه پلیس دستگیری در جرائم مشهود است و وظیفه آن تعقیب و رسیدگی قضائی نیست، می‌گویند: «باید نظام اصلاح و تربیت مجرمین ما اصلاح شود تا فرد سارق پس از آزادی، اجتماعی شود و دیگر سرقت نکند. روح قانون انتقام نیست، اصلاح مجرمین است و نباید زمان حبس را بیشتر کرد؛ بلکه باید قوانین بازدارنده یا تقنین قوانین پیشگیرانه را رقم بزنند.» در این راستا، برقراری تعادل میان پیشگیری، مجازات و اصلاح مجرمان می‌تواند به کاهش جرائم خشن و تقویت امنیت جامعه کمک کند.

**نمی‌توان بزه سرقت را صرفا با قوانین کیفری سرکوبگر کنترل کرد**

حسین ترکیان، از صاحب‌نظران حوزه جرم‌شناسی نیز در این باره اظهار می‌کند: «تکرار جرم و سرقت‌های متعدد از سوی برخی سارقان نشان می‌دهد احکام قضائی بازدارندگی مناسب را ندارد و برخوردها متناسب با میزان جرم نیست. بنابراین یکی از دلایل بازگشت مکرر مجرمان به چرخه جرم، مشکل قوانین است. البته این دیدگاه هم قابل پذیرش است که قوانین کیفری به‌تنهایی برای کاهش میزان سرقت کافی نیست و نمی‌توان بزه سرقت را صرفا با قوانین کیفری سرکوبگر کنترل کرد و بدو با باید با اعمال روش‌های مختلف پیشگیری از جرم، مانع از وقوع سرقت شد و سپس عوامل و زمینه‌های افزایش پدیده سرقت در کشور را که بی‌شک مربوط به مؤلفه‌های اقتصادی است تا حد ممکن کاهش داد.»

ترکیان هدف از زندان را بازپروری مجرمان سابقه‌دار دانسته و می‌گوید: «بسیاری از مجرمان در زندان با شیوه‌های جدید سرقت یا بزه آشنا می‌شوند و با تشکیل باند به اعمال مجرمانه خود ادامه می‌دهند که تمام این موارد برای پلیس، مردم و کشور هزینه دارد. لذا در بسیاری از موارد، سارقین در زندان یکدیگر را شناسایی و مبادرت به تشکیل باندهای مجرمانه کرده و به صورت سازمان یافته مرتکب سرقت می‌شوند و متأسفانه در سال‌های اخیر شاهد افزایش میزان سرقت‌های خشونت بار در کشور و بالاخص شهرهای بزرگ بوده‌ایم که عوامل متعددی در وقوع آن‌ها دخالت دارند و ضروری است که با شناسایی این عوامل و پیدا کردن راهکارهای مناسب، مانع از توسعه بیش از پیش این پدیده مجرمانه در کشور شد.»

گروهی از حقوقدانان و وکلای دادگستری بر این باورند که ما با ضعف و خلأ قانونی مواجه نیستیم، بلکه شرایط به نحوی است که نمی‌توان به چنین پرونده‌هایی به شکل درست رسیدگی کرد.

این گروه از وکلا در گفت‌وگو با رسانه‌ها عنوان کرده‌اند: «عمده افرادی که جرائم خشن انجام می‌دهند، سابقه‌دار هستند؛ بسیاری از این مجرمین وقتی پرونده‌شان در روند رسیدگی قرار می‌گیرد، رضایت شاکی را جلب می‌کنند و می‌توانند از کیفر مناسب، رهایی پیدا کنند اما متأسفانه پس از آزادی دوباره مرتکب جرم می‌شوند. اگرچه قانونگذار در خصوص جرائم خشن با شدت و حدّت برخورد می‌کند و مجازات سنگینی برای مرتکبین در نظر گرفته است؛ اما متأسفانه شاهدیم که در مرحله صدور احکام مربوط به این دسته از مجرمان جرائم خشن، شدت و حدّتی که در قانون مجازات اسلامی و مصادیق محاربه وجود دارد، دیده نمی‌شود.» این وکلا در گفت‌وگو با «تسنیم» خاطرنشان کرده‌اند: در بسیاری از کشورهای دنیا کنار پرونده‌های کیفری، پرونده شخصیتی هم تشکیل می‌شود تا عامل وقوع جرم از سوی مجرم بررسی و شناسایی شود؛ باید در نظر گرفت که وقتی فردی به درجه‌ای از قساوت قلبی می‌رسد تا جرائم خشنی را مرتکب شود، خیلی از مؤلفه‌ها از خانواده و مدرسه و محیط زندگی در شکل‌گیری شخصیت او مؤثر است.

---

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و موضوع تفاهم نامه فیمابین سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و وزارت جهاد کشاورزی و دستورالعمل ۹۹/۹۳۷۵۷ مورخ ۱۳۹۹/۵/۲۹ فیمابین سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و وزارت جهاد کشاورزی**

**برابر آراء صادره هیاتهای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی مهاباد تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند برابر ماده ۳ ق. ث. ت می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت و اسناد و املاک شهرستان مهاباد تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ذیصلاح قضایی مراجعه ونسبت به تنظیم دادخواست اعتراض اقدام نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را از دادگاه اخذ و ظرف مهلت مقرر یک ماهه به اداره ثبت اسناد و املاک مهاباد ارائه نمایند. در غیراین صورت پس از انقضای مهلت مذکور چنانچه متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را اخذ و ارائه ننمایند. بدون توجه به اعتراض مطابق مقررات سند مالکیت به نام متقاضی ثبت صادر خواهد شد.**

**املاک واقع ۲ اصلی در بخش ۱۹ مهاباد**

**۱- عثمان قربانی شیلان آباد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۶۶/۹۲ مترمربع در قسمتی از ۲- اصلی بخش ۱۹ مهاباد روستای امین آباد موضوع برابر مدارک موجود در پرونده**

**۲- عثمان قربانی شیلان آباد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۰۵/۲۸ مترمربع در قسمتی از ۲- اصلی بخش ۱۹ مهاباد روستای امین آباد موضوع برابر مدارک موجود در پرونده**

**۳- عثمان قربانی شیلان آباد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۶۳/۳۱ مترمربع در قسمتی از ۲- اصلی بخش ۱۹ مهاباد روستای امین آباد موضوع برابر مدارک موجود در پرونده**

**۴- عثمان قربانی شیلان آباد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۸۳۸/۳۲ مترمربع در قسمتی از ۲- اصلی بخش ۱۹ مهاباد روستای امین آباد موضوع برابر مدارک موجود در پرونده**

**۵- جعفر و ابوبکر همگی ایساره بالسویه نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۴۰/۰۶ مترمربع در قسمتی از ۲- اصلی بخش ۱۹ مهاباد روستای امین آباد موضوع برابر مدارک موجود در پرونده**

**املاک واقع ۵ اصلی در بخش ۱۹ مهاباد**

**۶- ابوبکر مصطفی پورنسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۷۳۲/۹۷ مترمربع در قسمتی از ۵- اصلی بخش ۱۹ مهاباد روستای گرده بردان موضوع برابر مدارک موجود در پرونده**

**۷- صالح مصطفی پورنسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۲۳۵۸/۹۹ مترمربع در قسمتی از ۵- اصلی بخش ۱۹ مهاباد روستای گرده بردان موضوع برابر مدارک موجود در پرونده**

**املاک واقع ۹ اصلی در بخش ۱۹ مهاباد**

**۸- عمر جوند نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۳۱/۱۴ مترمربع در قسمتی از ۹- اصلی بخش ۱۹ مهاباد روستای آچی دره موضوع برابر مدارک موجود در پرونده**

**۹- ابوبکر قاسمی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۵۲۶/۱۶ مترمربع در قسمتی از ۹- اصلی بخش ۱۹ مهاباد روستای آچی دره موضوع برابر مدارک موجود در پرونده**

**۱۰- عمر جوند نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۴۲۹۵/۲ مترمربع در قسمتی از ۹- اصلی بخش ۱۹ مهاباد روستای آچی دره موضوع برابر مدارک موجود در پرونده**

**۱۱- رحمن قاسمی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۰۴/۴۴ مترمربع در قسمتی از ۹- اصلی بخش ۱۹ مهاباد روستای آچی دره موضوع برابر مدارک موجود در پرونده**

**۱۲- رحمن قاسمی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۹۳۱/۸۹ مترمربع در قسمتی از ۹- اصلی بخش ۱۹ مهاباد روستای آچی دره موضوع برابر مدارک موجود در پرونده**

**۱۳- رحمن قاسمی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۴۰۵/۵۴ مترمربع در قسمتی از ۹- اصلی بخش ۱۹ مهاباد روستای آچی دره موضوع برابر مدارک موجود در پرونده**

**۱۴- رحمن قاسمی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۸۲۹/۰۷ مترمربع در قسمتی از ۹- اصلی بخش ۱۹ مهاباد روستای آچی دره موضوع برابر مدارک موجود در پرونده**

**۱۵- ابوبکر قاسمی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۹۱۱۹/۷۷ مترمربع در قسمتی از ۹- اصلی بخش ۱۹ مهاباد روستای آچی دره موضوع برابر مدارک موجود در پرونده**

**۱۶- محمدسوار نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۳۴/۷۹ مترمربع در قسمتی از ۹- اصلی بخش ۱۹ مهاباد روستای آچی دره موضوع برابر مدارک موجود در پرونده**

**۱۷- ابوبکر قاسمی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۰۸۰/۶۸ مترمربع در قسمتی از ۹- اصلی بخش ۱۹ مهاباد روستای آچی دره موضوع برابر مدارک موجود در پرونده**

**املاک واقع ۸ اصلی در بخش ۱۹ مهاباد**

**۱۸- سعید فتحی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۰۶۴۳/۵ مترمربع در قسمتی از ۸- اصلی بخش ۱۹ مهاباد روستای میره ده موضوع برابر مدارک موجود در پرونده**

**۱۹- سعید فتحی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۵۸۹/۲ مترمربع در قسمتی از ۸- اصلی بخش ۱۹ مهاباد روستای میره ده موضوع برابر مدارک موجود در پرونده**

**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۳/۱۷**

**تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۳/۳۱**

**اداره ثبت اسناد و املاک مهاباد**

==========

**مرجع رسیدگی: شعبه اول بدوی ویژه قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی شهرستان کنگان**

**مرجع گزارش دهنده: پلیس آگاهی شهرستان کنگان**

**متهم: بلاصاحب**

**گردشکار:**

**به تاریخ ۱۴۰۴/۳/۴ در وقت فوق العاده جلسه شعبه اول بدوی ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی شهرستان کنگان به تصدی اینجانب امضاکننده ذیل تشکیل و پرونده کلاسه فوق تحت نظر و بررسی است شعبه با بررسی کلیه اوراق و محتویات پرونده و انجام تحقیقات لازم ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت از خداوند متعال به شرح آتی مبادرت به اصدار رای می نماید.**

**رای شعبه**

**درخصوص گزارش شماره ۱۴۰۲/۱۶۵۵۱۷۱۵/۶۰۷۰۱/۱۶/۸۵ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۷ پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی شهرستان کنگان مبنی بر کشف ۳ هزار لیتر سوخت مکشوفه به صورت بلاصاحب شعبه نظر به اینکه براساس صورتجلسه اولیه کشف کالا و تحقیقات به عمل آمده ظرف مهلت قانونی مقرر در ماده ۴۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ با آخرین اصلاحات و الحاقات مصوب ۱۳۹۴/۷/۲۱ و ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ مجلس شورای اسلامی امکان شناسایی فرد یا افرادی به عنوان مالک کالای مکشوفه میسر نگردیده و افزون بر آن واحد کاشف در صورتجلسه ارسالی صدرالذکر صراحتا اعلام نموده سوختهای مکشوفه در اطراف منازل مسکونی نیمه کاره پشت یکی از منازل جاسازی شده بوده و صاحب یا صاحبین کالاها از صحنه متواری گردیده براین اساس توجها به محتویات پرونده و صورتجلسه بدوی کشف کالا و تحقیقات و بررسی های به عمل آمده توسط ماموربن کاشف مع الوصف به استناد مفاد ماده ۴۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ با آخرین اصلاحات و الحاقات مصوب ۱۳۹۴/۷/۲۱ و ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ مجلس شورای اسلامی و تبصره ۱ و ۲ ذیل ماده مرقوم و در امتثال از فتوای مورخه ۱۳۶۸/۲/۶ حضرت امام خمینی (ره) و ماده ۱۱ اصلاحی اساسنامه ستاد اجرائی فرمان حضرت امام خمینی (ره) که در سال ۱۳۷۳ با تایید و تنفیذ مقام معظم رهبری رسیده است. همچنین بموجب بند ۲ ابلاغیه شماره ۱/۱۹۷۱۸ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۵ دفتر مقام معظم رهبری و بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۵۶۵۸/۹۰۰۰ مورخ ۹۲/۲/۳ ریاست محترم قوه قضائیه با عنایت به اینکه شناسایی مالک کالای مکشوفه میسر واقع نگردیده حکم به ضبط کالای مکشوفه موضوع گزارش به نفع ستاد اجرائی فرمان حضرت امام خمینی (ره) صادر و اعلام می نماید بدیهی است یگان کاشف نهایت تلاش و مساعی خود را جهت شناسایی و معرفی صاحب یا صاحبین کالاها معمول و در صورت شناسایی مراتب را به نحوه مقتضی اعلام تا برابر تبصره ۱ ماده ۴۳ قانون مارالذکر اقدامات قانونی لازم صورت پذیرد قابل ذکر است در اجرای تبصره ۲ ماده ۴۳ و تبصره ۱ ماده ۵۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ با آخرین اصلاحات و الحاقات مصوب ۱۳۹۴/۷/۲۱ و ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ مجلس شورای اسلامی عین کالای مذکور به نهاد ماذون از سوی ولی فقیه تحویل و یا با هماهنگی و اخذ مجوز فروش از نهاد ماذون توسط سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی به فروش می رسد رای صادره غیابی تلقی و آثار و مقررات رای غیابی برآن مترتب است.**

**م الف ۶۴۴**

**بردستانی- رئیس شعبه اول بدوی ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی شهرستان کنگان**

==========

**آگهی مزایده مورد وثیقه**

**به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۹۸۰۰۳۶۶ این اجرا ششدانگ پلاک ۷۸۹/۲۴۸- اصلی بنام شرکت امواج ساحل کنارک سند صادر گردیده است. طبق سند رهنی شماره ۸۱۱۵ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۹ دفترخانه ۷۳ کنارک دربرهن بانک کشاورزی کنارک قرار گرفته وطبق نظر کارشناس رسمی مبلغ کل ملک ۳۴۱/۸۲۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی شده که مورد مزایده مقدار ۳۴۷/۶۰۲ سهم مشاع از ۷۰۰۴ سهم مشاع از ششدانگ به مبلغ